

با حکم فرمانده معظم کل قوا انجام شد

انتصاب فرمانده نیروی دریایی و معاون هماهنگ‌کننده سپاه

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا، در احکام جداگانه‌ای درباردار پاسدار علی فدوی را به‌عنوان معاون هماهنگ‌کننده سپاه و درباردار پاسدار علیرضا تنگسیری را به سمت فرمانده نیروی دریایی...

صفحه ۳

شنبه ۳ شهریور ۱۳۹۷ | ۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ | ۲۵ آگوست ۲۰۱۸

تنترها

چرا از عراق غرامت نگرفتیم؟

صفحه ۶

کمک ۱۸میلیون یورویی اتحادیه اروپا به ایران

صفحه ۱۵

گشایش پنجره‌های حصر

صفحه ۳

اولین زنان طلایی کاروان ایران

شب رؤیایی کبدی

صفحه ۱۴



توفیق؛ یکه‌تاز عرصه طنز و فکاهه‌نویسی در ایران

صفحه ۱۰

حیف دانا مردن و افسوس نادان زیستن

نامر زرافشان

صفحه ۸

حرف اول

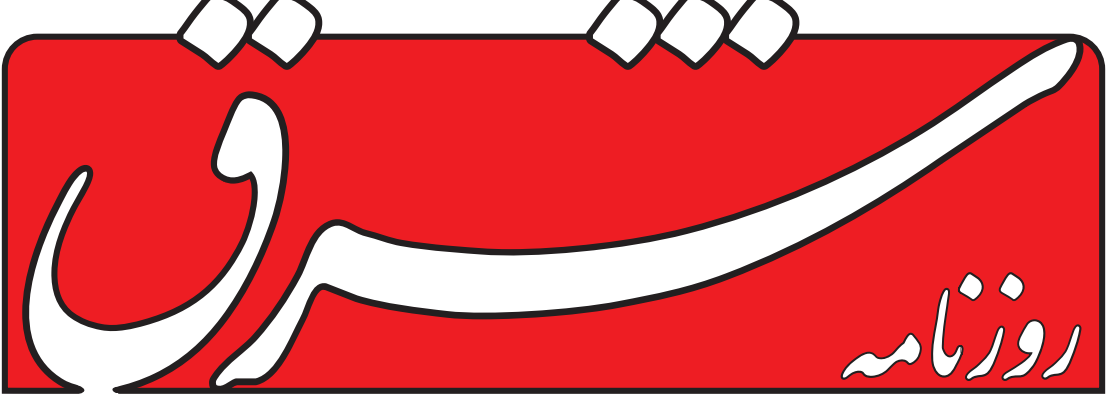
بهبود حکمروایی شهری آغاز یک راه ناتمام

حجت‌الله میرزایی
معاون برنام‌ریزی شهرداری تهران



مدیریت شهری پنجم، یعنی شورای شهر و مدیریت شهرداری در دوره جدید، به یک سالگی خود رسید. از یک‌سال پیش با رای بی‌سابقه مردم، اداره امور بیشتر کلان‌شهرهای کشور به اصلاح‌طلبان واگذار شد. دست‌کم در چهار کلان‌شهر تهران، مشهد، اصفهان و کرج، اصلاح‌طلبان رای قاطع و حداکثری را نصیب خود کردند. در سایر کلان‌شهرها نیز به‌طور نسبی پیروز میدان انتخابات شدند. این گروه که با برنامه ایجاد شفافیت، مدیریت مشارکت‌محور، پاسخ‌گویی به مردم و کاهش نابرابری‌ها و -به‌طور خلاصه- بهبود حکمروایی شهری وارد کارزار و رقابت انتخاباتی عبیه بودند، مورد اعتماد بی‌سابقه مردم قرار گرفت و در شهر تهران نفر اول لیست پیشنهادی اصلاح‌طلبان با بیش از یک‌میلیون و ۷۵۰ رای، یعنی حدودا سه برابر رای نفر اول لیست مقابل به شورا راه یافت. شاید برای عده‌ای در نگاه نخست، تاکید و اصرار نمایندگان برگزیده مردم بر بهبود حکمروایی، چه پیش از راه‌یابی به شهورا و چه پس از آن، عجیب و غریب کلان‌شهرها نباشد؛ به‌ویژه آنکه در تصور به‌دست‌آمده از عملکرد شهرداران گذشته، فعالیت اصلی شهرداری، خدمات شهری و نگهداشت مناسب شهر، اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه زیرساخت‌های شهری، به‌خصوص بزرگراه‌ها، پل‌ها و... است. شهرداری، منابع این فعالیت‌ها را نیز از درآمد حاصل از صدور پروانه‌های ساخت‌وساز و دریافت جرایم تخلفات ساختمانی دریافت می‌کرده و امور شهر هم از این راه اداره می‌شده است. اینک دلیل این تاکید پیوسته و همگانی بر ضرورت بهبود حکمروایی شهری و نیز تاکید و تمرکز بر اصلاح سازوکارهای مربوط به آن چیست؟ در همان ابتدای فعالیت شورای پنجم و شهردار جدید، یعنی در شهریور ۹۶، شهروندان تهرانی در پاسخ به نظر‌سنجی‌ها، آلودگی هوا، ترافیک فرسایشی، تبعیض و نابرابری آشکار در شهر و بی‌تفاوتی مردم به یکدیگر و نیز ناامنی در برابر زلزله و آتش‌سوزی را به‌عنوان مسائل اصلی شهر تهران معرفی کردند. همچنین آنان مدیریت قوی، مقابله با فساد و حمایت از توسعه و بهره‌مندی محله‌های فقیر و کمتر توسعه‌یافته را مهم‌ترین ویژگی‌های شهردار مطلوب خود دانستند.

ادامه در صفحه ۴



گزارش «شرق» از تبعات سیاست پیش فروش سکه در آستانه تحریم‌ها

رانت میلیاردری حراج طلا

صفحه ۴



کس، AFP

حلقه وفاداران ترامپ تنگ‌تر می‌شود

ترکش‌های «سه‌شنبه سیاه»

صفحه ۷

در دیدار نماینده ولی فقیه در سپاه قم و فرمانده تیپ امام صادق رخ داد

دلجویی آیت‌الله مکارم شیرازی از سپاه

صفحه ۲

یادداشت

خانه ویران نیما



مجید اسدی (راوش)

بدون‌شک جای پای هر ملتی برای ستون‌کردن و محکم‌ایستادن بر هر جغرافیایی، تاریخ آن ملت است. ملتی که تاریخ نداشته باشد، نمی‌تواند وجود داشته باشد و به سخنی دیگر، به حتم نمی‌تواند ملت باشد؛ زیرا تاریخ ماهیتی است که از طرف ملت بر جغرافیای او بار شده و آن را تعریف کرده که همانا تعریف و توصیف ماهیت خود آن ملت است و بر همین بنیاد است که هر ملت‌ی فقط می‌تواند در جغرافیای زندگی‌کند که خود آن را خلق کرده؛ باین‌دلیل که در سده‌ها با توسل به انواع شگرد‌ها، وجود خود را در آن مستقر کرده است که از آن به‌عنوان ریشه نام می‌برند و هیچ ملتی نمی‌تواند بدون ایستادن بر محل استقرار وجودی خود که خود آن را تعیین و شخصیت بخشیده است، زندگی کند و از طرفی دیگر باز می‌دانیم که این جغرافیا که از آن به‌عنوان میهن نام می‌بریم، براساس مولارثی ایستاده است که با بی‌توجهی به این مولارث، جغرافیایی‌بودن و میهن‌بودن خود را از دست می‌دهد؛ زیرا بی‌توجهی ما به این مولارث، بی‌توجهی به ساختار وجود تاریخی خود و فراموش کردن خود در وهله اول است که ما را به آن وادی رهنمون می‌شود تا ما نتوانیم بر پای خود بایستیم؛ زیرا خود را از زمین و زمین را از خود تهی کرده‌ایم و این با روان فردی و جمعی ما انسان‌ها ناسازگار است. برای همین است که به عقیده من، کشور‌های بی‌تاریخ راحت‌تر سمت و سو می‌گیرند و البته سمت و سویی دنبال‌رونده و یدک‌کش‌شونده و از همین نظر است که لال هستند؛ زیرا جهان و انسان را ندارند و کار ما بسی سخت‌تر است و نشانه این سختی در این است که ما دارای زبان و جهانیم و برای گفتن و خلق جهان خود هر لحظه مجبور به احضار تاریخ، بازخوانی و استقرار آن هستیم. بنابراین برای سرفرازی در این معرکه دائمی، نیازمند خواندن و بازخواندن خود هستیم. ازجمله مواردی که در این مسیر راهنماست، اهمیت و پاسداشت میراث مادی و معنوی ماست که من منافع ملی را تعریفی جز این نمی‌بینم.

باری اگر ادعای این مقدمه درست باشد که به نظر من چنین است، ما وظیفه‌ای مهم و اساسی برای حفظ این مولارث تاریخی و فرهنگی داریم و بدیهی است که باید در حفظ آن بکوشیم و روشن است که این مهم به‌عزمی ملی محتاج است. دراین‌باره هرچند تلاش‌های نهادها و مؤسسات دولتی لازم است؛ اما

یادداشت

تحریم ارتباطی ایران



حبیب‌الله معظمی پڑوهشگر و مدرس علوم ارتباطات

در چند روز گذشته دو اتفاق ارتباطی رخ داده است که نشان می‌دهند دولت دونالد ترامپ مقاصد تحریمی گسترده و متنوعی علیه ایران دارد که فقط شامل حوزه اقتصادی نیست بلکه حوزه ارتباطاتی ایران را هم هدف قرار داده است.

در این چند روز، گفته شده صدها حساب کاربری در فیس‌بوک و توئیتر به «ظن» ارتباط با ایران و دادن اطلاعات مخدوش‌ساز علیه کاخ سفید، اسرائیل، عربستان و در حمایت از فلسطین و به نفع برجام مسدود شده‌اند. متعاقب آن روز و به نفع حساب کاربری گنگره آمریکا کرد. درست پنجنشه گوگل، غول رسانه‌ای جهان، اعلام کرد که چند حساب کاربری متعلق به صداوسیما را به اتهامات مشابه مسدود کرده است.

این اتفاق‌ها پس از اظهارات جان بوتنون، مشاور تندروی امنیت ملی ترامپ، رخ دادند که ایران را در کنار روسیه، چین و کره‌شمالی متهم به تلاش سایبری برای تأثیرگذاری بر انتخابات میان‌دوره‌ای پیش‌روی گنگره آمریکا کرد. درست همان اتهامی که برای اولین بار در تاریخ آمریکا ابتدا متوجه دولت خود او بوده و است؛ به این صورت که انتخابات ریاست‌جمهوری دو سال پیش آمریکا – که دونالد ترامپ برآمده از آن است- در معرض تأثیرگذاری و دادن اطلاعات غلط به‌خصوص در شبکه فیس‌بوک به نفع ترامپ بوده است. پرونده دخالت سایبری روسیه در این انتخابات به سرپرستی قاضی مولر هم‌اینک روز‌های داغی را در آمریکا می‌گذراند که ماجراه‌ای جنجالی این روزهای آمریکا مربوط به مایکل کوهن، کارچاق‌کن و وکیل سابق ترامپ و پل منافورت، رئیس ستاد انتخاباتی ترامپ از دل این پرونده استخراج شده‌اند.

به‌خاطر داریم هنوز چندی از امضانشدن تعلیق تحریم‌های ایران و تأییدنشدن برجام از سوی ترامپ در چند ماه پیش نگذشته بود که یکی، دو شرکت بزرگ تولیدکننده گوشی تلفن و تجهیزات ارتباطی ارانه خدمات و فروش خود را به ایران متوقف کردند.

با این وضعیت، به نظر می‌رسد که تحریم ارتباطی ایران نه‌تنها در کنار تحریم‌های اقتصادی و نفتی در دستور کاخ سفید قرار گرفته، بلکه زودتر از ۱۳ آبان – زمان آغاز تحریم‌های

مروری بر عملکرد طولانی‌ترین شهرداری پایتخت

یک سال پس از قالیباف

گروه جامعه: یک‌سال از ناکامی اصولگرایان و از‌دست‌دادن کرسی‌های سبز شورای شهر تهران در خیابان بهشت می‌گذرد. ۱۵ سال پیش بود که دوره بی‌رقیب آنها در مدیریت شهری شروع شد؛ وقتی که محمود احمدی‌نژاد کلید اولیه تحولات...

صفحه ۱۳



سرمقاله

بدا به حال مسیبان!

احمد غلامی . سردبیر



انکار این روز‌ها دولت و مجلس از صحنه سیاسی کشور غایب هستند؛ دورکن اساسی کشور که با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و تجلی دموکراسی در ایران هستند. این دو نهاد درحال‌حاضر بیش از آنکه در عرصه سیاست کنش‌گر باشند، واکنش‌کنند و البته مجلس بیش از دولت این‌گونه است. در هیچ دوره‌ای آزمون نظارت ناظران چنین با خطا همراه نبوده است. نمایندگان مجلس همان کسانی هستند که از این آزمون گذشته‌اند و بعید است از میان این «تازه به مجلس رسیدگان» سیاستی گرم شود. دولت و مجلسی که «فرمول سیاسی» کارآمدی نداشته باشد، منفعل خواهد بود؛ انفعالی که به‌نفع هیچ‌کس نیست. اگر اصلاح‌طلبان شرایط کنونی را پیش‌بینی می‌کردند، شاید زیر بار حمایت از این نمایندگان نمی‌رفتند. نمایندگانی که نه دغدغه برابری سیاسی دارند و نه برابری اقتصادی. اگر دغدغه‌ای هم داشته باشند، توان و تجربه اجرای آن را ندارند. شاید عجیب باشد که بگویم بخشی از مشکلات سیاسی دولت و جامعه زیر سر مجلس دهم است. مجلس ناکارآمدی که توان کنش‌گری ن‌سدادر و نمایندگان آن بیش از هر چیز به منافع حداکثری خود و حوزه انتخابی‌شان فکر می‌کنند. برخی نمایندگان نیز در کنج عاقبت نشسته‌اند و در انتظارند دور مجلس بگردد و تمام شود تا در روزمه آنان نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز ثبت شود؛ همین و بس. اصلاح‌طلبان ناخواسته در تله افتاده‌اند؛ آنان برای حضور حداکثری در مجلس دست به اقدامی تاکتیکی زدند و نامزدهایی را انتخاب کردند که بتوانند از فیلتر نظارت ناظران بگذرند. این اقدام تاکتیکی اصلاح‌طلبان با تغییر سیاست‌های جهانی به اشتباهی استراتژیک بدل شد. اینک نمایندگانی از اصلاح‌طلبان در مجلس حضور دارند که بخشی از آنان چندان نسبتی با اصلاح‌طلبی ندارند و حتی ناظرانی که در روز‌های آغازین انتخابات مجلس اوضاع را بر وفق مراد می‌دیدند و احساس شیعف و خرسندی داشتند، اینک چندان خرسند نیستند. درست است که اصلاح‌طلبان ناآرام کنار رفته و اصلاح‌طلبانی آرام مجلسی بی‌دردرس ترتیب داده‌اند، اما کنش‌گران اپوزیسیونی در جامعه در کار خلق سیاست هستند که هیچ نهادی کوچک‌ترین اثری در فعالیت سیاسی آنان ندارد. در دوره‌ای که کنش‌گری سیاسی از دست دولت و مجلس خارج شود، نهادهای رسمی خواسته یا ناخواسته خط مقدم جبهه می‌شوند. اگر وضعیت سیاسی جامعه روبه‌راه است که خوشابه‌حال ناظران، مجریان، اصولگرایان و اصلاح‌طلبان و اگر اوضاع وخیم است، بدا به‌حال مسیبان. آنچه بیش از هر چیز برای اصلاح‌طلبان عیان شده این نکته است که در هیچ شرایطی نباید تن به مصالحه داد. دموکراسی، استراتژی است نه تاکتیک. اصولگرایان در این زمینه مدعی نبوده‌اند اما اصلاح‌طلبان مدعی دموکراسی و برابری سیاسی بوده‌اند. برابری سیاسی به‌معنای رشد حقوق شهروندی به‌مثابه گسترش حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی که تبلور دموکراسی است و دربردارنده اصل برابری، اصلاح‌طلبان از شرایط ایده جامعه و تغییرات اساسی آن چشم‌انداز روشنی نداشتند و تغییر سیاست‌های جهانی نیز به غافلگیری‌شان دامن زد و آنان را در وضعیت خشنی گرفتار کرد. اکنون، تریبون مجلس بیش از هر زمان دیگری برای اصلاح‌طلبان گره‌شده است. تریبونی که پیش از اینها از مسوولیت داده‌اند. اصلاح‌طلبان در سیاست کشت دیسم را برگزیده و به انتظار باران نشستند. باران که نبارید هیچ، بذرهای پاشیده‌شده را هم باد با خود برد. اگر اصلاح‌طلبان غفلت کنند، شکست بعدی در پیش است و آن چیزی نیست جز این‌همانی اصلاح‌طلبان با اصولگرایان؛ دو گفتمان مستقل از هم که تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر داشتند. این‌همانی این دو گفتمان یعنی دولتی‌تک حزبی و ناگفته پیداست که جامعه تک‌حزبی جامعه‌ای دموکراتیک نیست. پایداری اصلاح‌طلبان بر تفاوت و استقلال خویش، بزنگاهی تاریخی است که نباید از کف برود. شاید دولت و نهادهای رسمی بی‌میل به این هم‌سویی نباشند و در شرایط کنونی انگیزه کافی برای تأسیس غیررسمی یک حزب فراگیر در سر داشته باشند. اصلاح‌طلبان در تعارض و تفاوت‌شان با طیف‌های اصولگرا معنا پیدا می‌کنند. این‌همانی آنان با دیگران به بهانه شرایط خطر کشور، اصلاح‌طلبان را از معنا تهی خواهد کرد. اصلاح‌طلبان نباید گرفتار وضعیت‌ی شوند که دولت و مجلس شدند. این دو نهاد هیچ فرمول سیاسی‌ای برای کنش‌گری سیاسی ندارد. بی‌دلیل نیست که اپوزسیسیون خارج کشور درصدد برآمدن تا این فضای خالی را با روایت‌های خود پر کند و در این میان، بیشترین تلاش از سوی سلطنت‌طلب‌ها صورت می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۴